



بررسی فرایندهای واژ- واجی پسوندهای گویش تاتی تاکستان بر مبنای نظریه بهینگی

جواد رحمانی^۱

محمدرضا اروجی^{*۲}

بهزاد رهبر^۳

چکیده

پژوهش حاضر تلاشی است در جهت بررسی پسوندهای واژ- واجی گویش تاتی تاکستان در چارچوب نظریه بهینگی. فرایندهای واژ- واجی آن دسته از تغییرات واجی است که در بافتی صرفی، یعنی در مرز بین تکواژها ایجاد می‌شود و انگیزه آوایی دارد. روش این پژوهش به صورت تحلیلی بوده و داده‌های آن از کتاب‌های تاتی، رادیو و شبکه‌های محلی گردآوری شده‌اند. متغیرهای زبانی بر اساس نوع فرایندهای آوایی و واژگانی دخیل مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش برآنیم تا به واکاوی چگونگی عملکرد فرایندهای واژ- واجی از دیدگاه بهینگی در پسوندهای گویش تاتی بپردازیم. نتیجه این‌که در این زبان گاهی فرایند حذف و گاهی درج در مرز تکواژی رخ می‌دهد و این امر نشان‌دهنده‌ی همنوایی یا همان دسیسه‌ی واجی است و نشان می‌دهد که مرتبه‌بندی محدودیت‌های جهانی در گویش تاتی تاکستان صادق بوده و محدودیت‌های موجود در این گویش با محدودیت‌های جهانی همسو است.

کلیدواژه‌ها: فرایند واژ- واجی، گویش تاتی، نظریه‌ی بهینگی، محدودیت‌ها، پسوند.

✉ javad.rahmani.zaban@gmail.com

۱- دانشجوی دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی

زنجان

✉ mohammadrezaoroji@yahoo.com

۲- استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان (نویسنده مسئول)

✉ rahbarbehzad@gmail.com

۳- استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر در ایران نظریه بهینگی^۱ مورد توجه قرار گرفته است. نوشته حاضر به بررسی و توصیف اجمالی برخی فرایندهای واژ-واجی پسوند گویش تاتی تاکستان بر اساس نظریه بهینگی پرداخته و از این رهگذر نشان می‌دهد که چگونه در این گویش سطح واژی با سطح واجی در تعامل قرار می‌گیرد؛ به این معنا که اعمال یک قاعده واژی، اعمال یک قاعده واجی را به دنبال دارد. فرایندهای واژ-واجی زمینه‌ی مطالعاتی را فراهم می‌کند که در مرز بین واج‌شناسی و صرف قرار می‌گیرد. این فرایندها صورت‌های مختلف گفتاری و نوشتاری مربوط به تکواژها را بررسی می‌کنند، بدان جهت که برخی از واژه‌ها یا تکواژها در بافت‌های واژگانی یا دستوری مختلف به صورت‌های مختلف واجی در می‌آیند. راسخ مهند (۱۳۸۳) به معرفی کامل نظریه بهینگی پرداخته است.

تاتی تاکستان در شهر تاکستان واقع در استان قزوین رایج است. تاکستانی از گویش‌های زبان تاتی از زبان‌های شمال غربی به‌شمار می‌رود. استیلو (۱۹۸۱) در یک طبقه‌بندی تاتی تاکستان را در گروه تاتی جنوبی قرار داده است. یار شاطر (۱۹۶۲) به صورت مقدماتی و یار شاطر (۱۹۶۹) به تفصیل به بررسی جنبه‌های مختلف گویش تاتی منطقه رامند از جمله تاکستان پرداخته است. طاهری (۱۳۸۸) ویژگی‌های دستوری گویش تاتی تاکستان را بررسی کرده است.

مواد زبانی این مقاله به روش میدانی گردآوری شده است، به این صورت که کلمات به صورت مصاحبه از گویشوران تات زبان پرسیده، ضبط و ثبت شده است. متغیرهای زبانی لازم از درون آن واژگان استخراج شده و فرآیندهای آوایی و واژگانی واژه‌ها مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است، بعد از مقدمه، در بخش دوم، پیشینه مطالعات فرایندهای واژ-واجی در نظریه بهینگی به اختصار معرفی گردیده و در بخش سوم، مبانی نظری بررسی شده است. در بخش چهارم انواع پسوندهای این گویش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، بخش پنجم نیز به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲- پیشینه مطالعات فرایندهای واژ-واجی در نظریه بهینگی

تاکنون پژوهشی، در چهارچوب نظریه بهینگی به بررسی جنبه‌های مختلف گویش تاتی تاکستان به نگارش در نیامده، اما پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه واج‌شناسی بهینگی به شرح زیر است:

عسکر زاده (۱۳۷۷) و ملکی (۱۳۸۱) برای صورت‌های مرتبط فرایندهای واژ-واجی، صورت واجی واحدی در نظر گرفته و همین مطلب را در گونه معیار زبان فارسی با استفاده از درخت مشخصه‌ها، مورد تحلیل قرار داده‌اند. رشیدی (۱۳۹۵) به بررسی، تحلیل، تعیین، مرتبه‌بندی محدودیت‌های موجود حاکم بر فرایندهای واجی و ارائه ساخت هجای گویش دارابی در چهارچوب نظریه بهینگی پرداخته است و همگونی و ناهمگونی،

واکه، حذف، درج، تضعیف، قلب و ابدال را نیز در مقاله‌اش مورد بررسی قرار داده است. لذا بر این اساس پژوهش حاضر اولین مطالعه‌ای است که به شکلی علمی در چارچوب نظریه بهینگی به بررسی و تحلیل جنبه‌های آوایی و واجی گویش مذکور می‌پردازد.

۳- مبانی نظری

پژوهش حاضر به بررسی فرایندهای واژ- واجی پسوندهای گویش تاتی تاکستان بر اساس نظریه بهینگی پرداخته و میزان کفایت آن، به روش تحلیلی با استفاده از داده‌های این گویش به محک آزمون گذاشته شده است. بدین منظور علاوه بر اینکه داده‌های گویش مذکور از منظر این رویکرد جدید مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، این امکان نیز به وجود می‌آید تا کفایت مشاهده‌ای و تحلیلی مورد سنجش قرار گیرد زیرا این تحقیق به لحاظ بررسی فرایندهای واژ- واجی گویش تاتی تاکستان دارای اهمیت بوده و از این نظر که تاتی، زبانی است که در معرض انقراض و نابودی می‌باشد؛ بنابراین انجام پژوهش‌هایی از این دست ضروری به نظر می‌رسد. برای رسیدن به هدف با گردآوری داده‌هایی، که در آنها فرایندهای واژ- واجی یافت شده‌اند، در چهارچوب نظریه بهینگی بررسی و مورد تحلیل قرار گرفته است.

با توجه به انعطاف‌پذیری روش تحلیلی که یکی از بنیادی‌ترین و بهترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات به‌خصوص در بررسی گویش‌ها می‌باشد، این روش اتخاذ شده است. این تحقیق محدود به شهر تاکستان بوده و داده‌ها از کتاب‌ها، رادیو و شبکه‌های محلی گردآوری شده است. پژوهش حاضر درصدد یافتن تعمیم‌های واجی بر اساس نظریه بهینگی در ساخت پسوندهای واژ- واجی گویش تاتی تاکستان می‌باشد. در این راستا تعدادی از پسوندهای پربسامد در گویش تاتی انتخاب شده و گزینه‌های بهینه بر اساس سلسله مراتب محدودیت‌ها نشان داده شده‌اند.

۳-۱- نظریه بهینگی

نظریه بهینگی تحولی در زبان‌شناسی زایشی بوده و واج‌شناسان زایشی به دنبال تعمیم‌های واجی می‌باشند. زبان‌شناسی به‌وجود دستوری جهانی قائل است که تمرکز آن بر روی اصول و پارامتر زبان‌هاست. در واج‌شناسی جهانی تلاش برای یافتن این تعمیم‌هاست (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۰). این رویکرد بر مبنای تحقیقات تجربی رده‌شناسی، عناصر روساختی را برای دستیابی به اصول جهانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. نظریه بهینگی دارای رویکرد محدودیت بنیاد^۱ است که اولین بار در مقاله‌ای از آلن پیرینس و پاول اسمولنسکی در سال ۱۹۹۳ در همایش واج‌شناسی دانشگاه آریزونا مطرح شد.

نظریه بهینگی مبتنی بر این بینش است که همه حوزه‌های زبان اعم از واج‌شناسی، تکواژشناسی و نحو «محدودیت بنیاد» هستند. این محدودیت‌ها همگانی بوده و از این رو ریشه در ساختار زیستی و ژنتیکی انسان دارد. وجود این «محدودیت‌ها» تبیین‌کننده اشتراک بین زبان‌هاست و «مرتبه‌بندی» متفاوت بین این

1. Constraint - based

محدودیت‌ها در زبان‌های مختلف از یک سو و تخطی‌پذیری آنها از سوی دیگر توجیه‌کننده تفاوت و تنوع بین زبان‌هاست. برخلاف رویکرد اصول و پارامترها که روساخت مجاز به‌طور مستقیم از زیرساخت مشتق می‌شود، در نظریه بهینگی، روساخت مجاز یکی از چند گزینه‌ای است که کمترین تخلف را از محدودیت‌های نقش‌پذیر جهانی دارد (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۵).

از این نظریه، بیشتر برای توصیف نظام آوایی زبان‌ها استفاده می‌شود تا توصیف نظام تکواژها و گروه‌های نحوی. بر این اساس، واج‌شناسی هر زبان در یک واحد ارزیاب خلاصه می‌شود که خود، شامل تعدادی محدودیت جهانی قابل‌نقض و ترتیب مشخصی است. درون داد واحد ارزیاب، چند گزینه^۱ آوایی است که دستگاه مولد بر اساس اصول آواشناسی عمومی از روی زیرساخت واجی می‌سازد. روساخت مجاز، یکی از گزینه‌هاست که کمترین تخلف را از محدودیت‌ها دارد یا به‌عبارت دیگر، بیشترین هماهنگی را با محدودیت‌ها داراست (دبیر مقدم، ۱۳۸۶: ۶۴۹-۶۴۷). بر این اساس دو نوع محدودیت ۱- نشان‌داری، ۲- پایایی (وفاداری) در واج‌شناسی بهینگی مطرح می‌شود.

۳-۲- ساخت هجا در نظریه بهینگی

در نظریه بهینگی می‌توان رده‌شناسی نظام‌های هجایی را با استفاده از سه محدودیت توضیح داد:

(۱) Onset: هجاها با یک همخوان آغاز می‌شوند (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۳).

(۲) No-Coda: هجاها به یک واکه ختم می‌شوند (همان: ۹۴).

(۳) Faithfulness: هر چیزی را همان‌طور که هست تلفظ کنید (هاموند: ۳۶).

در نظریه بهینگی این سه محدودیت توصیف ساده‌ای از نظام‌های هجایی زبان‌های موجود در جهان را ارائه می‌دهند. جدول زیر چهار نوع از مرتبه‌بندی‌های موجود این محدودیت‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۱: نمایش انواع نظام‌های هجایی با استفاده از مرتبه‌بندی محدودیت‌ها

نوع هجا	مرتبه بندی محدودیت‌ها
(C)V(O)	Faithfulness>>Onset, No-Coda
OV	Onset, No-Coda>> Faithfulness
OV(C)	Onset>> Faithfulness>> No-Coda
V(O)	No-Coda>> Faithfulness>> No-Coda

بنابراین بر اساس مرتبه‌بندی‌های معرفی‌شده تنها چهار رده زبانی از نظر نوع ساخت هجایی وجود دارد.

۳-۲-۱- ساخت هجا در گویش تاتی تاکستان

آواشناسان و واج‌شناسان گویش تاتی تاکستان از جمله طاهری (۱۳۸۸) در این نکته اشتراک نظر دارند که الگوی هجای سطح زیرین در نظام آوایی گویش تاتی تاکستان عبارت‌اند از:

$$.V/VC/VCC/CV/CVC/CVCC$$

گویش تاتی تاکستان جزء دسته سوم از دسته‌بندی‌های رده‌شناسی^۱ یعنی جزء زبان‌های (C)OV قرار می‌گیرد که در سطح آوایی آنها وجود آغاز اجباری و وجود پایانه ممکن است. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در این گویش به صورت زیر است:

(الف) Onset, Faithfulness >>No-Coda

واژه‌های گویش تاتی تاکستان [ʔæsb] (اسب)، [em] (این)، [ʔâ] (او)، [çöst] (کفش)، [xor] (خوب)، [du] (دوغ) دارای الگوی هجایی به ترتیب CV/CVC/CVCC/V/VC/VCC هستند. در زیر تابلوی بهینگی یک نمونه از این موارد ذکر می‌شود:

(ب)

/du /	ONSET	FAITHFULNESS	NO-CODA
☞ a.du			
b.u	*!	*	

در تابلوی شماره (ب)، گزینه b محدودیت وفاداری را نقض کرده است، زیرا یک واحد دروندادی را در برونداد حذف کرده است و به همین خاطر آغاز نیز ندارد و مهم‌ترین محدودیت گویش تاتی تاکستان یعنی Onest را نقض کرده و از تابلو حذف می‌شود. بدین ترتیب گزینه a که این محدودیت‌ها را نقض نکرده، به عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود. همین مرتبه‌بندی محدودیت‌ها صورت بهینگی واژه‌هایی را که در صورت زیربنایی فاقد آغاز هستند، به دست می‌دهد.

۳-۳- معرفی و تحلیل فرایندهای واژ- واجی در گویش تاتی تاکستان

در این قسمت به معرفی و تحلیل فرایندهای واژ- واجی پسوندهای تصریفی و اشتقاقی گویش تاتی تاکستان می‌پردازیم و در هر قسمت پس از ارائه مثال و معرفی فرایند، به تحلیل آن در چارچوب نظریه بهینگی توجه خواهیم کرد. پسوندهای تصریفی و اشتقاقی مرسوم تکواژ در گویش تاتی تاکستان عبارت‌اند از:

$$/e, eš, iš, em, i, on, â, ne, ij, in, del, mand, tar, ein, de, jâr, bon, šon, dâr/$$

۴- پسوندها

۴-۱- پسوندهای تصریفی

از میان پسوندهای تصریفی، دو نمونه را که تنها به صورت یک واکه و پربسامد هستند بررسی می‌شوند.

۴-۱-۱- پسوند تصریفی جمع /-on/

در افزوده شدن تکواژ جمع به اسم‌ها (که بازنمای زیرین آن در گویش تاتی تاکستان /-on/ می‌باشد) نیز فرایندهایی صورت می‌گیرد که نوع آن بستگی به اینکه اسم مورد نظر به چه عنصری ختم شود، دارد. اکنون این فرایندها را بر اساس انواع اسم به لحاظ واجی (مختوم به همخوان و یا واکه) بررسی می‌کنیم:

الف) در گویش تاتی تاکستان، الگوی هجایی در ترکیب تکواژ جمع /-on/ با اسم‌هایی که به همخوان ختم می‌شوند، تغییر می‌کند تا محدودیت ONSET نقض نشود. در واقع درج صورت نمی‌گیرد زیرا همخوان پایانی اسم، خود به عنوان آغاز هجای بعدی عمل می‌کند. به این ترتیب محدودیت ALIGN-MORPH-R نقض می‌شود و مرز سمت راست تکواژ پایه دیگر با مرز هجا منطبق نخواهد بود. بنابراین مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به نمونه /lobut+/on/ (به معنی عروسک‌ها) به صورت زیر است:

(۱) ALIGN-MORPH-R (کاگر، ۱۹۹۹: ۱۱۵)

- لبه سمت راست یک تکواژ منطبق است با لبه راست یک هجا.

(۱) ONSET >> ALIGN-MORPH-R

(۲)

/lobut+/on/	ONSET	ALIGN-MORPH-R
a. lobu.ton		*
b.lobut.on	*!	

در تابلوی شماره (۲) گزینه a به قیمت نقض محدودیت ALIGN-MORPH-R، محدودیت ONSET را ارضاء می‌کند و به عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود. گزینه b به خاطر نقض مهم‌ترین محدودیت، یعنی ONSET غیر بهینه می‌باشد.

لازم به ذکر است که تکواژ جمع در گویش تاتی تاکستان، در کلمه mâ+z+on (به معنی مادرها) /-on/ می‌باشد که افزودن آن به پایه‌های همخوان تغییری ایجاد نمی‌کند اما قبل از پایه‌های واکه /z/ افزوده می‌شود. در واقع مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در شماره (۳) صورت بهینه را در این گویش به دست می‌دهد.

(۳) ONSET >> DEP-IO >> ALIGN-MORPH- L

(۴)

/mâ/+/on/	ONSET	DEP-IO	ALIGN-MORPH- L
a. mâ.jon		*	*
b. mâ.on	*!		

در تابلوی شماره (۴)، گزینه a بهینه است زیرا فقط از محدودیت‌های غیر مهلك تخطی کرده است. گزینه b به خاطر نقض ALIGN-MORPH-L غیر بهینه می‌باشد و از تابلو حذف می‌شود.

ب) در افزودن تکواژ جمع به اسم‌های مختوم به واکه /i/، مانند /ʔisbi+on/ (به معنی اشبای سفید) برای رفع التقاء واکه‌ها درج صورت می‌گیرد. طبق سلسله‌مراتب نشان‌داری در جایگاه بین واکه، حضور غلت‌ها در این جایگاه از همه بی‌نشان‌تر است. بنابراین در نمونه /ʔisbi+on/ نیز یک همخوان درج می‌شود و حضور /i/ در تکواژ اول درج /j/ را تضمین می‌کند. بدین ترتیب محدودیت‌های قبل اعمال می‌شوند و علاوه بر آنها محدودیت دیگری که از بروز صورتی مانند [ʔisbion]* در برون‌داد جلوگیری می‌کند در تحلیل این نمونه به کار می‌رود که در شماره (۲۵) معرفی می‌شود و در مرتبه‌بندی محدودیت‌ها جای می‌گیرد. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آنها نیز در شماره‌های (۵) و (۶) می‌آید.

(۲) HIATUS* (مک کارتی، ۲۰۰۴: ۴۶-۴۵)

- التقاء واکه‌ها مجاز نیست.

(۵) HIATUS, ONSET >> MAX-IO >> DEP-IO, ALIGN-MORPH- L

(۶)

/isbi/+/on/	*HIATUS	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN-MORPH- L
a. ʔis.bi.jon				**	**
b. ʔis.bi.on		*!		*	*
c. ʔis.bi			*!	*	*
d. ʔis.bi.o		*!	*!	*	*
e. ʔis.bio	*!		*!	*	*

در تابلوی (۶) گزینه بهینه، گزینه a است که با درج یک همخوان از التقاء واکه‌ها جلوگیری نموده و به همین وسیله نیز محدودیت ONSET را ارضاء کرده است. گزینه b و c بدین جهت غیر بهینه‌اند که حذف مجاز نیست و محدودیت مربوط به حذف نباید نقض شود. گزینه d به خاطر نداشتن آغاز در هجای آخر و نقض ONSET و گزینه e به خاطر نقض HIATUS* غیر بهینه می‌باشد.

نوع عنصر درج شده در جایگاه بین واکه‌ای تابع سلسله‌مراتب نشان‌داری است که مرتبه‌بندی مربوط به آن به صورت زیر نشان داده می‌شود:

(۷) ONSET >> DEP-IO >>* V-V/lar>> *V-V/V

(۸)

/isbi+/on/	ONSET	DEP-IO	*V-V/lar	*V-V/V
a.ʔis.bi.jon		**		*
b.ʔis.bi.ʔon		**	*!	

بر اساس تابلوی شماره (۸)، همخوانی که بین دو واکه درج می‌شود، بی‌نشان‌ترین عنصر است، هم از نظر سلسله‌مراتب جهانی و هم از نظر تطبیق مشخصه‌های آن با آخرین واکه پایه /i/ گزینه b که حاوی نشان‌دارترین عنصر درج‌شده در جایگاه بین واکه‌ای است، غیربهبینه می‌باشد و از تابلوی بهینگی حذف می‌شود.

پ) در افزوده شدن تکواژ جمع به واژه‌های مختوم به واکه‌های /u/ و /o/ مانند /lâlu+/j+/on/ (به معنی رختخواب‌ها)، /šo+/j+/on/ (به معنی شب‌ها) مجدداً برای رفع التقاء واکه‌ها درج صورت می‌گیرد. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها همان مرتبه‌بندی شماره (۵) است که دوباره در شماره (۹) و تابلوی بهینگی مربوط به آنها در شماره (۱۰) می‌آید:

(۹)*HIATUS, ONSET >> MAX-IO>> DEP-IO, ALIGN-MORPH- L

(۱۰)

/lâlu+/on/	*HIATUS	ONSET	DEP-IO	ALIGN-MORPH- L
a.lâ.lu.jon			*	*
b. lâ.luon	*!			
c. lâ.lu.on		*!		

در تابلوی شماره (۱۰)، گزینه a بهینه است که با درج یک همخوان از التقاء واکه‌ها جلوگیری کرده و به همین وسیله نیز محدودیت ONSET ارضاء کرده است. گزینه c به خاطر نداشتن آغاز در هجای آخر و نقض ONSET و گزینه b به خاطر نقض *HIATUS غیر بهینه می‌باشد.

نوع همخوان درج‌شده در این داده، به واکه آخر تکواژ پایه بستگی دارد. به بیان دیگر برای تعیین نوع همخوان درج شده نیز مجدداً سلسله مراتب نشان‌داری عمل می‌کند و بین دو واکه یک همخوان درج می‌شود. همچنین محدودیت دیگری نیز اعمال می‌شود که به وسیله آن غلت /j/ صورت می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد، محدودیتی به نام AGREE-VOCALIC به یکسانی ارزش مشخصه [افراشته] در هسته و آغاز پایه اشاره دارد (نست، ۲۰۰۷: ۶۷-۶۵). این محدودیت، در گویش تاتی تاکستان به صورت تعمیم‌یافته ذیل عمل می‌کند:

AGREE-VOCALIC (۳)

- همخوان میانجی با واکه افزاشته بافت از نظر پیشین و پسین تطابق دارد.

مرتبه‌بندی مربوط به کیفیت عنصر درج شده و تابلوی نشان‌داری مربوط به آن به صورت زیر است:

(۱۱) ONSET >> DEP-IO >> AGREE-VOCALIC >> *V-V/lar >> *V-V/V

(۱۲)

/lâlu+/on/	ONSET	DEP-IO	AGREE-VOCALIC	*V-V/lar	*V-V/V
a. lâ.lu.jon		*			*
b. lâ.lu.ʔon		*	*!	*!	
c. lâ.lu.on	*!				

بر اساس تابلوی (۱۲)، گزینه a به خاطر نقض محدودیتی که در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد بهینه بوده و گزینه b که حاوی نشان‌دارترین همخوان درج‌شده در جایگاه بین واکه‌ای است، غیر بهینه می‌باشد و از تابلوی بهینگی حذف می‌شود. گزینه c نیز به خاطر نقض اصل ONSET از تابلوی بهینگی حذف می‌شود. (ت در افزوده شدن تکواژ جمع به واژه‌های مختوم به واکه‌های /e/ و /a/ مانند /piy.â.on/ (به معنی پدران) مجدداً التقاء واکه‌ها و برای رفع آن درج صورت می‌گیرد مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در شماره (۱۳) و تابلوی مربوط به آنها در شماره (۱۴) می‌آید:

(۱۳) HIATUS , ONSET >> MAX-IO >> DEP-IO >> ALGIN-MORPH-L

(۱۴)

/pi+/on/	*HIATUS	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN-MORPH-L
a. pi.jon				*	*
b. pi.jâ.on		*!		*	
c. pi.on		*!			
d. pi.jâon	*!			**	*

در تابلوی شماره (۱۴)، گزینه a بهینه است که با درج یک همخوان از التقاء واکه‌ها جلوگیری کرده و به همین وسیله نیز، محدودیت ONSET را ارضاء کرده است. گزینه b بدین جهت غیربهینه است که محدودیت ONSET را که نباید نقض شود، نقض می‌کند. گزینه c به خاطر نداشتن آغاز در هجای آخر و نقض محدودیت ONSET و گزینه d به خاطر نقض محدودیت HIATUS* غیر بهینه می‌باشند. برای تعیین نوع همخوان درج‌شده نیز مجدداً سلسله مراتب نشان‌داری عمل می‌کند و همخوان /j/ که در جایگاه بین واکه‌ای نشان‌دار است، درج می‌شود. البته از آنجا که این همخوان در جایگاه بین دو واکه قرار دارد، معمولاً به صورت واگذار تلفظ می‌شود.

1. piye (به معنی پدر)

2. berâ (به معنی برادر)

تنها در اینجا برای جلوگیری از بروز صورت غیربهبینه واژه [ber.â.on]* (به معنی برادران)، محدودیت [-low] [+low]* در مرتبه‌بندی محدودیت‌ها قرار می‌گیرد. تابلوی بهیگی مربوط به آن نیز در شماره (۱۹) آمده است.

(۴) [-low] [+low]*

- توالی دو عنصر با ارزش‌های متفاوت در مشخصه [افتاده]، مجاز نیست.

(۱۵) ONSET >> DEP-IO, *[-low] [+low]>>*V-V/lar >> *V-V/V

(۱۶)

/ber/+/â/+/on/	ONSET	DEP-IO	[-low] [+low]	*V-V/lar	*V-V/V
a.be.râ.jon		*	*		*
b.be.râ.ʔon		*		*!	

بر اساس تابلوی شماره (۱۶)، گزینه a با نقض محدودیتی که در پایین مرتبه قرار دارد، گزینه بهینه است و گزینه b به علت تخطی از درج عنصر نشان‌دار انسدادی چاکنایی که در رتبه بالاتر از درج غلت کامی قرار دارد، گزینه غیربهبینه محسوب می‌شود و از تابلوی بهیگی حذف می‌شود.

۴-۱-۲- پسوند تصریفی معرفه ساز /-e/

این تکواژ نیز درست مانند تکواژ جمع تنها از یک واکه تشکیل شده است و در افزوده شدن به اسم‌ها بسته به اینکه اسم مختوم به همخوان باشد یا واکه، الگوهای متفاوتی را نشان می‌دهد.

الف- با افزودن پسوند /-e/ به اسم‌های مختوم به همخوان مانند واژه‌ی /mâydon/+e/ (به معنی مادیان- اسب ماده)، الگوی هجایی واژه مورد نظر تغییر می‌کند تا همه هجاها آغاز داشته باشند. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهیگی مربوط به آنها به‌قرار زیر است:

(۱۷) ONSET >> DEP-IO >> MAX-IO, ALGIN-MORPH-R

(۱۸)

/mâydon/+e/	ONSET	DEP-IO	MAX-IO	ALGIN-MORPH-R
a. mây.do.ne				*
b. mây.don.he		*!		
c. mây.don.e	*!			

در تابلوی شماره (۱۸)، گزینه a با تغییر الگوی هجایی محدودیت مهم ONSET را ارضاء نموده و بهینه می‌باشد. گزینه b به خاطر نقض محدودیت مهم DEP-IO و گزینه c با نقض مهم‌ترین محدودیت، یعنی ONSET غیر بهینه می‌باشند.

ب- با افزودن پسوند /-e/ به اسم‌های مختوم به واکه، الگوی هجایی اسم تغییر نمی‌کند، بلکه برای ارضاء محدودیت ONSET درج صورت می‌گیرد و نوع عنصر درج شده نیز همان‌طور که در مورد تکواژ جمع گفته شد، به واکه تکواژ اول بستگی دارد. در اینجا به بررسی نمونه /zeyni/+e/ (به معنی زن) می‌پردازیم. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آنها در زیر می‌آید:

(۱۹) ONSET >> MAX-IO >> DEP-IO >> ALIGN-MORPH-L

(۲۰)

/zeyni/+/-ε/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN-MORPH-L
a. zey.ni.jε			*	*
b.zej.nε		*!		*
c.zej.ni		*!		*
d.zej.ni.ε	*!			

در تابلوی شماره (۲۰)، گزینه a محدودیت DEP-IO و ALIGN-MORPH-L را نقض می‌کند تا از بروز هجای بدون آغاز جلودگیری و محدودیت ONSET را ارضاء کند. گزینه‌های b و c محدودیت MAX-IO را که در این تابلو اهمیت بالایی دارند، نقض کرده و حذف می‌شوند. گزینه d نیز به خاطر نقض مهم‌ترین محدودیت، یعنی ONSET غیر بهینه است.

۴-۱-۳- پسوندهای اشتقاقی

از میان پسوندهای اشتقاقی، دو نمونه را که پربسامد هستند، بررسی می‌کنیم.

الف- پسوند اشتقاقی اسم ساز /-i/

این تکواژ پس از صفت قرار می‌گیرد و اسم می‌سازد. در این فرایند اشتقاقی تبدیل صفت به اسم، بسته به نوع صفت (که مختوم به همخوان باشد یا واکه) تغییرات متفاوتی ایجاد می‌شود. با افزودن پسوند /i-/ به صفت‌های مختوم به همخوان مانند /xur/ (به معنی خوب)، درج صورت نمی‌گیرد. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی مربوط به آنها نیز ارائه شده است:

(۲۱) ONSET >> MAX-IO, DEP-IO >> ALGIN-MORPH-R

(۲۲)

/xur/+/-i /	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALGIN-MORPH-R
a.xu.ri				*
b.xur.ji			*!	
c.xur		*!		
d.xur.i	*!			

در تابلوی شماره (۲۲)، گزینه a به خاطر ارضاء محدودیت مهم ONSET بهینه است و گزینه‌های b و c و d به ترتیب به خاطر نقض DEP-IO و MAX-IO و ONSET که مهم هستند و نباید نقض شوند، غیر بهینه‌اند و از تابلوی بهینگی حذف می‌شوند.

ب- با افزوده شدن پسوند /-i/ به صفت‌های مختوم به واکه مانند /hâvâ/ (به معنی هوا)، الگوی هجایی اسم ساخته شده تغییر نمی‌کند و عنصری حذف نمی‌شود، بلکه تنها برای ارضاء محدودیت ONSET، درج صورت می‌گیرد، مانند [hâ.vâ.ji] (به معنی بی‌خود - آدم یله). مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آنها به صورت زیر است:

(۲۳) HIATUS >> ONSET >> DEP-IO, ALGIN-MORPH-L

(۲۴)

/hâvâ/+/i/	HIATUS	ONSET	DEP-IO	ALGIN-MORPH-L
a. hâ.vâ.ji			*	*
b. hâ.vâi	*!			
c. hâ.vâ.i		*!		

در تابلوی شماره (۲۴)، گزینه a محدودیت DEP-IO و ALGIN-MORPH-L را نقض می‌کند تا از بروز هجای بدون آغاز جولوگیری و محدودیت ONSET و HIATUS را ارضاء کند. گزینه b محدودیت HIATUS و c، محدودیت ONSET را که در این تابلو اهمیت بالایی دارد، نقض کرده و حذف می‌شوند. در نمونه /hâvâ/+/i/، نوع همخوان درج شده در جایگاه بین واکه‌ای، توسط تکواژ اسم‌ساز /i/ تعیین شده که /j/ می‌باشد. البته درج /ʔ/ نیز در این گویش وجود دارد و با /j/ در تناوب است. در این صورت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در گونه رسمی اگر درج /j/ صورت بگیرد، همگونی با واکه افراشته بعدی صورت گرفته و اگر همخوان انسدادی چاکنایی درج شود، همگونی با واکه افتاده قبلی صورت گرفته است. بنابراین مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به درج غلت /j/ به صورت زیر است:

(۲۵) ONSET >> DEP-IO >> *V-V/lar >> *V-V/V

(۲۶)

/hâvâ/+/i/	ONSET	DEP-IO	*V-V/lar	*V-V/V
a. h.â.vâ.ji		*		*
b. hâ.vâ.ʔi		*	*!	

در تابلوی (۲۶) در هر دو گزینه درج صورت گرفته است. اما گزینه a به خاطر نقض بی‌نشان‌ترین محدودیت که در پایین‌ترین مرتبه در تابلو قرار دارد، نسبت به گزینه b که محدودیت مرتبه بالاتری را نقض می‌کند، به عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود و گزینه b از صحنه رقابت خارج می‌شود.

ب- پسوند اشتقاقی /-eš/، /-iš/ و /de/

این پسوند بعد از پایه‌های فعل زمان حال قرار می‌گیرد و اسم می‌سازد. در این فرایند اشتقاقی بسته به اینکه پایه فعل مختوم به همخوان باشد یا واکه، تغییرات متفاوتی ایجاد می‌شود.

الف- با افزودن پسوند /-eš/ به پایه‌های مختوم به همخوان مانند /mâr/، الگوی هجایی واژه موردنظر تغییر می‌کند تا همه هجاها آغاز داشته باشند، مانند [mâr.eš] (به معنی مادرش) و درج صورت نمی‌گیرد. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آنها بدین صورت است:

(۲۷) ONSET >> MAX-IO >> DEP-IO >> ALGIN-MORPH-R

(۲۸)

/mâr /+ / eš/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALGIN-MORPH-R
a. mâ.reš				*
b. mâ.eš	*!	*!		*
c. mâš		**!		*

در تابلوی (۲۸)، گزینه b به خاطر تخطی از نشان‌دارترین محدودیت گزینه غیر بهینه است و گزینه c به خاطر حذف هم در ریشه و هم در پسوند با هم گزینه غیر بهینه است ولی گزینه a فقط با تخطی از اصل ALGIN-MORPH-R که بی‌نشان‌ترین است گزینه بهینه می‌باشد.

(۲۹) ONSET >> ALGIN-MORPH-R

(۳۰)

/ševær /+ / eš/ ^	ONSET	ALGIN-MORPH-R
a. še.vær.reš		*
b. še.vær.eš	*!	

در تابلوی (۳۰) در گزینه a با تخطی از اصل ALGIN-MORPH-R گزینه بهینه است در حالی که گزینه b با تخطی از اصل محدودیت بالاتر از ONSET غیر بهینه شده است.

(۳۱) ONSET >> DEP-IO >> ALGIN-MORPH-R

(۳۲)

/âništ/+/iš/ˆ	ONSET	DEP-IO	ALIGN-MORPH-R
a. ʔâniš.tiš		*	*
b. ʔâništ.iš	*!	*	

در تابلوی (۳۲) گزینه b به خاطر تخطی از اصل ONSET غیر بهینه است و تخطی از اصل کم اهمیت تر ALIGN-MORPH-R گزینه بهینه محسوب می شود.

(۳۳) ONSET >> DEP-IO >> ALIGN-MORPH-L

(۳۴)

/âxotin/+/de/ˆ	ONSET	DEP-IO	ALIGN-MORPH-L
a. ʔâ.xot.in.de	*!	*	*
b. ʔâ.xo.tin.de		*	*
c. âxot.in.de	**!		

در تابلوی (۳۴) گزینه a و گزینه c به خاطر تخطی از اصل ONSET غیر بهینه هستند و گزینه b به خاطر تخطی از اصل کم اهمیت تر ALIGN-MORPH-L و DEP-IO گزینه بهینه محسوب می شود.

ج- پسوند اشتقاقی /-â/، /-nɛ/، /-ij/، /-in/، /-del/، /-mand/، /-tar/ و
NOCODA (۵)

- هجای دارای پایانه مجاز نیست.

(۳۵) ONSET >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

(۳۶)

/bevaz/+/â/ˆ	ONSET	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
a. be.vaz.â	*!	*	
b. be.va.zâ			*

۱. به معنی نشستی

۲. به معنی خوابیده‌اند

۳. به معنی بپرید

در تابلوی (۳۶) گزینه a به خاطر تخطی از اصل مهم ONSET غیره بهینه است در حالی که گزینه b با تخطی از اصل کم اهمیت‌تر ALGIN-MORPH-R که از رتبه پایینی برخوردار است، گزینه بهینه انتخاب می‌شود.

(۳۷) ONSET >> MAX-IO >> ALIGN-MORPH-R

(۳۸)

/nörqei/+/nε/ ^۱	ONSET	MAX-IO	ALIGN-MORPH-R
☞ a. nörqei.ne			
b. nörqein.ε	*!		*
c. nörqe.inε	*!		*
c. nörq.inε	*!	*!	*

در تابلوی (۳۸) گزینه a به خاطر عدم تخطی از هیچ‌گونه محدودیتی گزینه بهینه محسوب می‌شود. گزینه‌های دیگر به علت تخطی از محدودیت مهلك ONSET گزینه‌های بهینه محسوب نمی‌شوند.

(۳۹) ONSET >> MAX-IO >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

(۴۰)

/siyâden/+/idɟ/ ^۲	ONSET	MAX-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
a. siyâden.idɟ	*!			
☞ b. siyâ.de.nidɟ			*	*
c. siyâden.i	*!	*!		

در تابلوی (۴۰) گزینه a به خاطر تخطی از محدودیت مهلك ONSET گزینه غیر بهینه است. گزینه c هم به علت تخطی از ONSET و هم MAX-IO غیر بهینه است در حالی که گزینه b اگرچه از محدودیت‌های NOCODA و ALGIN-MORPH-R تخطی کرده است ولی چون محدودیت‌هایی با رتبه پایین بوده‌اند، گزینه بهینه محسوب می‌شود.

(۴۱) ONSET >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

(۴۲)

/boxârdan/+/in/ ^۳	ONSET	MAX-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
☞ a. bo.xâr.da.nin			**	*
b. bo.xâr.dan.in	*!		**	
c. bo.xâr.da.ni		*!	*	*

۱. به معنی نقره‌ای

۲. به معنی تاکستانی

۳. به معنی خوردنی

در تابلوی (۴۲) گزینه a به خاطر تخطی از کم اهمیت‌ترین و پایین‌ترین رتبه محدودیت‌های NOCODA و ALGIN-MORPH-R گزینه بهینه محسوب می‌شود در حالی که گزینه b و c به ترتیب به علت تخطی از محدودیت‌های مهم و مهملک ONSET و MAX-IO غیر بهینه‌اند.

(۴۳) ONSET >> MAX-IO >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

(۴۴)

/zar/+/del/ ۱	ONSET	MAX-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
a. zard.el	*!		*	*
☞ b. zar.del			**	
c. zar.el	*!	*!	*	

در تابلوی (۴۴) گزینه a و c به خاطر تخطی از محدودیت بالا رتبه ONSET گزینه‌های غیر بهینه در نظر گرفته می‌شوند. در حالی که گزینه b با دو بار تخطی از محدودیت پایین رتبه NOCODA گزینه بهینه محسوب می‌شود.

(۴۵) ONSET >> MAX-IO >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

(۴۵)

/dârâ/+/mand/ ۲	ONSET	MAX-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
a. dâr.â.mand	*!		**	*
b. dâr.mand		*!	**	*
☞ c. dâ.râ.mand			*	

در تابلوی (۴۶) گزینه c به خاطر تخطی فقط از محدودیت رتبه پایین NOCODA گزینه بهینه است. گزینه‌های a و b به ترتیب با تخطی از محدودیت‌های رتبه بالای ONSET و MAX-IO غیر بهینه‌اند.

(۴۷) ONSET >> MAX-IO >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

(۴۸)

/naku/+/tar/ ۳	ONSET	MAX-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
a. nak.u.tar	*!		**	*
☞ b. naku.tar			*	
c. nak.tar		*!	**	*

۱. به رنگ زرد- صفت شباهت

۲. به معنی ثروتمند

۳. به معنی نکوتر

در تابلوی (۴۸) گزینه a به خاطر تخطی از محدودیت مهلک ONSET و گزینه c به خاطر تخطی از محدودیت بالا رتبه MAX-IO گزینه‌های غیر بهینه محسوب می‌شوند.

د- پسوند اشتقاقی /-dâr/، /-šon/، /-bon/، /-jâr/، /-ein/

(۴۹) ONSET >> MAX-IO, DEP-IO >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

(۵۰)

/gudʒil/+/ein/ ١	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
a. gu.dʒi.lein				*	*
b. gu.dʒil.ein	*!			**	
c. gu.dʒil.ʔin			*!	**	
d. gudʒ.lein		*!		**	*

در تابلوی (۵۰) گزینه a به خاطر تخطی از کم رتبه‌ترین محدودیت‌های NOCODA و ALGIN- MORPH-R گزینه بهینه انتخاب می‌شود.

(۵۱) ONSET >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-L

(۵۲)

/alale/+/dʒâr/ ٢	ONSET	MAX-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
a. ʔa.la.le.dʒâr			*	
b. a.la.le.dʒâr	*!		*	
c. ʔa.lal. dʒâr		*!	**	*

در تابلوی (۵۲) گزینه a گزینه بهینه محسوب می‌شود. گزینه‌های b و c به ترتیب به خاطر تخطی از محدودیت‌های رتبه بالای ONSET و MAX-IO گزینه‌های غیر بهینه‌اند.

IDENT-IO (high) (۶)

اگر واکه‌ای در درونداد [α high] باشد، واحد متناظر با آن نیز در برونداد [α high] است.

(۵۳) ONSET >> MAX-IO >> IDENT-IO >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

۱. به معنی کوچک‌ترین

۲. به معنی آلاله زار

(۵۴)

/dašte/+/bon/ ١	ONSET	MAX-IO	IDENT-IO (high)	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
☞ a. daš.te.bon				**	
b. dašt.bon		*!		**	*
c. daš.te.bân			*!	**	

در تابلوی (۵۴) گزینه a به خاطر تخطی از محدودیت‌های کم‌اهمیت NOCODA و ALGIN- MORPH-R گزینه بهینه است در حالی که گزینه‌های b و c به ترتیب به علت تخطی از محدودیت‌های رتبه بالای MAX-IO و IDENT-IO غیر بهینه محسوب می‌شوند.

(۵۵) ONSET >> MAX-IO >> IDENT-IO >> NO-CODA >> ALIGN-MORPH-R

(۵۶)

/bebarði+/šon/ ٢	ONSET	MAX-IO	IDENT-IO	NO-CODA	ALIGN-MORPH-R
a. be.bor.di.šon			*!	**	
☞ b. be.bar.di.šon				**	
c. be.bar.šon		**!		**	*

در تابلوی (۵۶) گزینه b گزینه بهینه است. گزینه c دو بار از محدودیت مهلک MAX-IO تخطی کرده و غیر بهینه محسوب می‌شود. گزینه a نیز از محدودیت وفاداری IDENT-IO تخطی کرده است.

(۵۷) ONSET >> IDENT-IO >> NO-CODA

(۵۸)

/zobon/+/dâr/ ٣	ONSET	IDENT-IO	NO-CODA
a. za.bon.dâr		*!	**
b. zob.on.dâr	*!		**
☞ c. zo.bon.dâr			**

در تابلوی (۵۸) گزینه c به خاطر تخطی از محدودیت کم‌اهمیت NOCODA بهینه است در حالی که گزینه‌های a و b به ترتیب به خاطر تخطی از IDENT-IO و ONSET غیر بهینه‌اند.

۱. به معنی دشت بان

۲. به معنی برده‌اند

۳. به معنی زبان‌دار- سخنگوی ماهر

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پس از تحلیل داده‌ها و به‌دست آوردن الگوهای گویش تاتی تاکستان (از طریق محدودیت‌ها)، بخشی از فرایندهای واژ- واجی پسوندهای این گویش در چارچوبی جدید بررسی شد و نشان داد مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در آن متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که فرایندهای متفاوتی در این گویش صورت می‌گیرد. زیرا درگویش مذکور هم فرایند حذف و هم درج وجود دارد. بنابراین نباید در توصیف‌های واج‌شناسی این دو را باهم خلط کرد. بنابراین پرسش اصلی این مقاله، مبنی بر اینکه نظریه بهینگی توانایی توصیف داده‌های تاتی تاکستان را دارد، مورد تأیید قرار گرفت.

گویش تاتی تاکستان جزء دسته‌بندی‌های زبان‌های OV(C) رده‌شناختی قرار می‌گیرد. در صورتی که پیشوند /-be/ به آن دسته از پایه‌های فعلی زمان حال افزوده شود که با همخوان آغاز می‌شوند و واکه آنها پسین، میانی و گرد است، بین واکه پیشوند و واکه پایه فعلی اصطلاح هماهنگی واکه‌ای صورت می‌گیرد. در مرتبه‌بندی مربوط به رفع التقاء واکه‌ها درج /j/ بین دو واکه صورت گرفته است که هر دو دارای مشخصه [افتاده] هستند. الگوی هجایی در ترکیب تکواژ جمع /-on/ با اسم‌هایی که به همخوان ختم می‌شوند، تغییر می‌کند و درجی صورت نمی‌گیرد. در این گویش تکواژ جمع /-on/ می‌باشد و افزوده شدن آن به پایه‌های مختوم به واکه یا همخوان تنها الگوی هجایی را تغییر می‌دهد. در افزوده شدن تکواژ جمع به واژه‌های مختوم به واکه‌های /u/ و /o/، /â/ نیز برای رفع التقاء واکه‌ها درج صورت می‌گیرد.

با افزودن پسوند /e/ به اسم‌های مختوم به واکه، الگوی هجایی اسم تغییر نمی‌کند، بلکه برای ارضاء محدودیت آغاز درج صورت می‌گیرد. اما با افزودن آن به پایه‌های مختوم به همخوان الگوی هجایی واژه مورد نظر تغییر می‌کند و درج صورت نمی‌گیرد. با اضافه شدنش به اسم‌های مختوم به واکه کیفیت عنصر درج‌شده بین واکه‌ای، /j/ می‌باشد.

با افزودن شدن پسوند /-i/ به صفت‌های مختوم به واکه کیفیت همخوان درج‌شده بین واکه‌ای، /j/ می‌باشد. اما با افزودن آن به صفت‌های مختوم به همخوان الگوی هجایی واژه مورد نظر تغییر می‌کند و درج صورت نمی‌گیرد، همین‌طور با اضافه کردن این پسوند به صفت‌های مختوم به واکه الگوی هجایی اسم ساخته شده تغییر نمی‌کند و عنصری حذف نمی‌شود، بلکه درج صورت می‌گیرد.

به‌طور کلی محدودیت‌های پسوندی در زبان تاتی به شرح زیر است:

ONSET, HIATUS >> MAX- IO, DEP-IP >> IDENT-IO >> *V-V/iar >> *V-V/V >> NOCODA >> ALIGN-MORPH-L/R

همان‌طور که مشاهده می‌شود هیچ هجایی بدون آغاز در زبان تاتی شروع نمی‌شود و همچنین وجود دو واکه در یک هجا در زبان تاتی ممکن نیست. در این زبان گاهی فرایند حذف و گاهی درج در مرز تکواژی رخ می‌دهد، بنابراین این دو بر یکدیگر برتری ندارند. همسو با محدودیت جهانی، در زبان تاتی واج میانجی /j/ به انسدادی چاکنایی /ʔ/ اولویت دارد. همچنین گاهی در هنگام پسوندافزایی، لبه سمت راست یا چپ تکواژ با هجا یکسان نمی‌شود. به‌عبارتی پس از وندافزایی، واجی از انتهای هجای اول، به ابتدای هجای دوم نقل

مکان می‌کند. باید گفت که نظریه بهینگی قادر است داده‌های زبان تاتی را بررسی کند، همچنین در این مقاله نشان داده شده که ترتیب محدودیت‌های واژ-واجی در زبان تاتی همسو با محدودیت‌های جهانی است.

منابع

- بی‌جن خان، محمود (۱۳۸۸)، *واج‌شناسی: نظریه بهینگی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۳)، *زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران: انتشارات سمت.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۳). «معرفی نظریه بهینگی و بررسی تکیه در زبان فارسی». *مجله زبان‌شناسی*. س ۱۹، ش ۱، پیاپی ۳۷: ۴۶-۴۲.
- رشیدی، ناصر (۱۳۹۵)، «بررسی برخی فرایندهای واجی در گویش دارابی»، *مجله ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین*، سال ششم، شماره اول، ۴۱ تا ۵۴.
- طاهری، عباس (۱۳۸۸)، *بررسی گویش تاتی تاکستان*، تاکستان: انتشارات سال، چاپ اول.
- عسکرزاده، رجبعلی (۱۳۷۷)، «بررسی واژ-واجی و قاعده‌های آن در زبان‌های فارسی و انگلیسی»، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۶۳-۸۰.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۵)، *واج‌شناسی رویکردهای قاعده‌بنیاد*، تهران: نشر سمت، چاپ اول.
- ملکی، محمود (۱۳۸۱)، *بررسی فرایندهای واژ-واجی گونه معیار زبان فارسی*، تهران: انتشارات موفق.
- Hammond, M. (1997), *Optimality Theory and Prosody*, In *Optimality Theory: An Overview*, Blackwell Publishers, Massachusetts.
- Kager, R. (1999), *Optimality Theory*, Cambridge University Press, New York.
- McCarty, J. (2004), *Optimality Theory in Phonology*, Blackwell Publishing, Massachusetts.
- Neset, T. R. (2007), *Grunzunge der Phonologie*, University of California Press, Berkely.
- Stilo, D. L. (1981), *The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia*, Taylor & Francis, Ltd.Press, Iranian Studies, Vol. 14, No. 3/4, Summer - Autumn, 137-187.
- Yar-Shater, Ehsan (1962), *The Tati Dialect of Ramand*, in W.B. Henning and E.Yarshater, eds. *A Locust' Leg. Studies in Honour of S.H. Taghizadeh*, London, 240-5.
- Yar-Shater, Ehsan (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialect*, The Hague: Mouton, Paris.